

کرایتون ستودنی

جیمز متیو بری

مترجم افسانه قادری



نشر متیس

سرشناسه

بری، جیمز متیو، ۱۸۶۰ - ۱۹۲۷ م.

Barrie, J. M. (James Matthew)

عنوان و نام پدیدآور

کرایتون ستودنی: کمدی/ نوشته جی.ام. بری؛
مترجم افسانه قادری.

مشخصات نشر

تهران: نشر متیس، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری

۱۳۱ ص.: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک

978-600-97267-0-7

وضعیت فهرست نویسی

فیبا

یادداشت

عنوان اصلی:

The Admirable Crichton : a comedy, 2010.

موضوع

نمایشنامه انگلیسی-- قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده

قادری، افسانه، ۱۳۶۱ -، مترجم

رده بندی کنگره

PR

رده بندی دیویی

۹۱۳/۸۳۲

شماره کتابشناسی ملی

۳۶۵۶۵۸۳

www.metispub.com

کرایتون ستودنی

جیمز متیو بری

ترجمه افسانه قادری

چاپ و صحافی دوستان

چاپ اول ۱۴۰۰

تیراژ ۵۰۰

قیمت ۴۵۰۰۰ تومان

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۶۷-۰-۷

همه حقوق این اثر متعلق به نشر متیس می باشد.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم و صدا نیست.

فهرست

۵	 مقدمه
۷	 درباره نویسنده
۸	 شخصیت‌ها
۹	 پرده اول
۴۵	 پرده دوم
۷۴	 پرده سوم
۱۰۹	 پرده چهارم

«کرایتون ستودنی» بهترین نمایش انگلیسی عصر مدرن است. شک دارم که بتوان تمام و کمال به اهمیت و ماهیت قطعی این نمایش پی برد. هر بار که آن را می خوانم، پی به مکاشفه‌ای جدید می برم و نیز اشاره به چیزی که بسیار مهم، اما مبهم است. فلسفه این نمایش، درست مانند هر درام خوبی، مخاطب را درگیر یک کشمکش نگران کننده می کند. این نمایش، برخلاف تعریف رایج نمایشنامه ها، معمایی با ارائه یک راه حل خلق نمی کند. بلکه تماشاگران را ناراضی به حال خود رها می کند. به جای آنکه فقط توجه ما را به شخصیت های داستان جلب کند، آن را به ساختار جامعه و به خود زندگی معطوف می کند. شما می توانید این نمایش را غیر واقعی یا خیالی بنامید و یا شاید بگویید فضای آن رمانتیک است، با این حال تفکر آن واقعی است. «کرایتون ستودنی» بر پایه صفات اساسی طبیعت بشر و بر تاریخ تکامل جامعه بشری بنا شده است. او فردی عملگراست و حقیقت پریش آن قدرتی است که کارایی دارد. آنچه می پرستد طبیعت است، برای او زندگی طبیعی در لندن ممکن است کاملاً برخلاف زندگی طبیعی در جزیره ای دور افتاده باشد. او به تنها شکل واقعی دموکراسی معتقد است - که نه بر پایه اکثریت آرا که بر مبنای دولتی منتخب از بهترین هاست که از قضاوت خود برای منافع افرادی که توانایی لازم برای پذیرش مسئولیت را ندارند، استفاده می کنند.

کرایتون مانند هر ابرمردی ذاتاً یک اشراف زاده است. بیزاری وی از افراط گری ساختگی لرد لوم در صحنه های اول - جایی که یک مهمانی غیر طبیعی ماهی یک بار بر اهالی طبقه بالا و پایین خانه تحمیل می شود - مخالفت طبیعی مردی است که در طبقه پایین، درست مانند لرد لوم در طبقه بالا، حکومت می کند. به محض اینکه سنت های جامعه در برابر نیازهای ضروری طبیعت ناپدید می شوند، ما متوجه می شویم که کرایتون نه تنها در حال حکمرانی است، که خود را با تمام نشانه های ظاهری شکوه و عظمت فرمانروایی احاطه کرده است.

بنا بر کتاب مقدس «غلامی که سلطنت می کند» یکی از سه علت به لرزش افتادن زمین است. احتمالاً مقصود از زمین جامعه سازمان یافته است. مواردی از عکس این عقیده در روزهای آغازین انقلاب فرانسه و

روسیه رخ داد، اما وقتی با یک رخداد قرن‌ها پیشرفت انسان از بین می‌رود و پیچیدگی‌های زندگی به مسئله ساده بقا تبدیل می‌شود، به خدمت و اشرافیت صرفاً به چشم حرفه‌ای ظاهری (درست مانند لباس‌های مغازه‌های خیابان پیکادلی لندن) نگاه می‌شود؛ قوی‌ترین مرد قدرت می‌گیرد. دقت کنید که در جزیره فقط یک کتاب وجود دارد و آن کتاب را کرایتون به آنجا آورده است.

واضح است که این نمایش نه تنها برای کرایتون که برای لیدی مری یک تراژدی است؛ شاید برای لرد لوم هم همین‌طور، هنگامی که نبود هوای آزاد و ورزش و غذای ساده باعث از دست رفتن سلامت می‌شود. دلیلش این است که امر سازماندهی جامعه، هرچند لازم باشد، برخلاف غرایز طبیعی انسان است. نمی‌توان هم خدا را خواست هم خرما را، کاری که بسیاری از کودکان بزرگ‌شده تا آخر عمر تلاش می‌کنند انجام دهند. اگر داشتن خانه‌هایی مناسب و فرصت‌هایی برای یادگیری و لذت و احساس امنیت از بودن پلیس خوشایند است، در عوض شب و روز مطابقت دادن خود با محدودیت‌های مصنوعی این قراردادها ناخوشایند است. هر چیزی بهایی دارد و باید بهایش را پرداخت. کرایتون به خوبی می‌داند که بهتر است لیدی مری در لندن زندگی کند تا در جزیره، و اینکه در لندن کسی تاب تحمل حکومت یک خدمتکار را ندارد. بنابراین غرایز طبیعی آنها باید سرکوب می‌شد، زیرا غرایز طبیعی همیشه و همه جا وجود دارد. تأکیدی را که در طول نمایش بر واژه «طبیعی» می‌شود، از یاد نبرید؛ این معیار حقیقت برای کرایتون است. جدایی کرایتون و لیدی مری بسیار غم‌انگیز است؛ همیشه جدایی عشاق غم‌انگیز است. علت اینکه این کم‌دی یک تراژدی است، آن نیست که کرایتون یا لیدی مری در لحظه مهم لغزش می‌کند، بلکه به این علت است که شرایط زندگی خوشبختی مشترک آنها را ناممکن می‌کند. آنها با جدایی از همدیگر شاید سرانجام به خوشبختی برسند، اما با همدیگر هرگز. بنابراین این عاشقان طبیعی و محکوم به سرنوشتی از پیش نوشته باید از هم جدا شوند و از رویایی زیبا چشم بر روی سرد حقیقت بگشایند.

ویلیام لیون فلپس^۱